

طرح " اجماع ملی ! " یا فورمولی برای اشباع غریزه ء قدرت !

گاهی انسان بیش از « آن چه هست » می خواهد !

« ژان پل ساتر »

بخش دوم :



محمد امین فروتن

وقتی نخستین قسمت این یادداشت از سوی وسائل ارتباط جمعی منتشر گردید برخی از عزیزان با ارسال ایمیل ها و برخی ها هم با تلفن های خویش این حقیر را مورد تفضّل قرار دادند و یاد آوری فرمودند که شاید من از نخستین قلم بدستانی باشم که اندیشه ها را به برخورد رویارویی کشانده ام و به اصطلاح اندیشه ها را بدور از کدورت و عداوت آنچه صلاح مملکت و انسان افغان بوده است به نقد میکشم و از سوی دیگر با کشاندن اندیشه ها به بحثهای آزاد و آشکار و با پرداختن عالمانه و متکی بر شواهد و مدارک ثقه به حوادث تاریخی از سیر خود رو و طرح بی ظابطه و بدون قاعده مسائل که مسلماً باعث ایجاد جدل های زرگری و بی معنی خواهد گردید جلوگیری بعمل می آید .

به هر حال از یکایک شما سروران و عزیزانی که این حقیر را مورد تشویق و نوازش قرار میدید قلباً ابراز امتنان میکنم . اما ناگزیر باید بحث مانرا از همانجا آغاز کنیم که به پایان برده بودیم . چنانچه شما خواننده گان ارجمند واقف هستید بخش اول این یادداشت با این جملات به پایان رسانده بودم که زلمی خلیل زاد یکی از سهام داران افغان تبار شرکت سهامی یونوکال UNOCAL البته « نه از کارمندان معمولی معاش بگیر! » نه تنها حقائق و واقیعت های مربوط به جریانات نخستین کنفرانس موسوم به بن را آنچنان که واقع شده بودند مسخ کرده اند بلکه با تمام شواهد و اسناد کنفرانس بن بویژه مصاحبه های مستند جناب آقای عبدالستار سیرت رئیس هیأت نمایندگی موسوم به هیأت روم که به دلیل اقامت مرحوم محمد ظاهر پادشاه سابق افغانستان در شهر روم پایتخت ایتالیا که یکی از عمده ترین شخصیت های تأثیر گذار بر پروسه حل سیاسی مسأله افغانستان به شمار میرفت نمائنده گی میکرد کاملاً در تناقض قرار دارد که اینگونه تناقض و پارادوکس در اظهارات آقای خلیل زاد آنگاه خوبتر به نمایش گذشته میشود که پشت پرده ای از نخستین کنفرانس بن رادرامتداد چندین دهه تاریخ غم انگیز افغانستان و سیاست های ژئوپولیتیکی کشورهای بزرگ صنعتی منجمله همسایه گان طماع این کشور را

از دوران جنگ سرد تا لشکر کشی های آخیری که با برپائی خیمه شب بازی بنام کنفرانس **بن** رنگ دیگری با خود گرفته است با دقت و ظرافت لازم مورد پژوهش قرار گرفته شود . با توجه به این حقیقت که از یک سو اظهارات آقای عبدالستار سیرت مبنی بر اینکه وی با رأی اکثریت هیأت موسوم به **روم** که وظیفه تعیین رئیس اداره مؤقت شش ماهه را بر عهده داشت به حیث رئیس اداره مؤقت انتخاب شده بود اما به دلیل مخالفت قدرت های پشت پرده که آقای خلیل زاد نماینده ایالات متحده امریکا و اخضر ابراهیمی نماینده سازمان ملل متحد حاملان و زمینه سازان آن فیصله ها بودند با توجه به وابسته گی « قومی » جناب عبدالستار سیرت که با " قوم " شریف ازبیک تعلق دارد و منافع استراتژی یک یكعه کشور های بزرگ شامل در ائتلاف جهانی ضد تروریسم مانند انگلیستان ، پاکستان و غیره هم پیمانان منطقوی شان بر حضور یک شخصیت " پشتون تبار " از ملت افغانستان در رأس اداره مؤقت وابسته گی داشت سبب گردید ، آقای حامد کرزی که دارای ملیت پشتون بوده به حیث رئیس اداره مؤقت تعیین گردد . هر چند به قول جناب ستار سیرت بخاطر اینکه این فرصت از نزد افغانها به هدر نرود و کنفرانس " **بن** " به ناکامی نه انجامد برای دو تن از پیام آوران قدرتمند جامعه جهانی (آقای خلیل زاد و لخصر ابراهیمی) گفته شد که وقتی برخی کشورها بر مؤلفه ء تباری رئیس اداره مؤقت پافشاری دارند و ما نیز نه میگذاریم که کنفرانس بن به ناکامی با نجامد لهذا بگذارید شخصیت مناسب و دارای ظرفیت های لازم دیگری وابسته به قوم پشتون را به شما معرفی کنیم ، که در زیر چتر جریان روم بسیاری از رجال برجسته وابسته به قوم پشتون وجود و حضور فعال دارند . !

وقتی آقای خلیل زاد و لخصر ابراهیمی نماینده سازمان ملل متحد را که سعی داشتند و به هر دری میکوفتند تا به هر قیمت و هزینه ای که باشد کشور های مختلف جهان بویژه کشورهای بزرگ مانند انگلیستان ، فرانسه ، آلمان و روسیه و دیگران را بخاطر سهم گیری و اشتراک در ائتلاف بین المللی ضد تروریسم تشویق سازند تا عملاً در ائتلاف جهانی برضد تروریسم که با تدویر موفقانه نشست بن سهم بگیرند ، لذا آنگاهی که پس از ناکامی نخستین انتخاب آقای عبدالستار سیرت بحیث رئیس اداره مؤقت به دلیل تعلق تباری وی دومین پیشنهاد هیأت روم یعنی معرفی یک شخصیت دیگر پشتون تباری برای ریاست اداره مؤقت افغانستان با این دو نماینده با صلاحیت جامعه جهانی مطرح گردید و یقین داشتیم که این بار نه تنها کنفرانس بن به ناکامی خواهد انجامید بلکه هیأت روم بصورت عاجل تشکیل جلسه داد تا شخصیت دیگری را که با قوم بزرگ پشتون ارتباط داشته باشد به کنفرانس معرفی کنند اما این بار نیز تیر به هدف نخورد زیرا از دیربندینسو بالای شخص معین یعنی آقای کرزی بحیث رئیس اداره مؤقت توافق نامضاً شده بعمل آمده بود . وقتی تحلیل گران بیطرفی که اوضاع سیاسی و امنیتی افغانستان و منطقه را مورد تحلیل و ارزیابی قرار میداد با این توطئه استعمار جهانی که زاده ء عوامل پیدا و پنهانی استعمار انگلیس است پی بردند هر چند ریشه های اصلی این معاملات پنهانی مافیایی نتوانستند به مردم تھی دست افغانستان نشان دهند ، لا اقل این را یقین داشتند که تأکید جامعه جهانی بویژه کشور انگلیس و راهروان منطقوی آنها مانند پاکستان قصد دارند با این هیاهوی که بنام فلان قوم و تبار براه انداخته شده است یک آشوب ناگهانی نیست بلکه این توطئه یکدست و همدست حکایتی است که سردراز دارد ! .

چنانچه دیدیم آنگاهی که حکومت مجاهدین برهبریی مرحوم استاد ربانی توسط القاعده و دیگر جنگجویان خارجی منجمله گروه های بی بصیرت و ساده اندیش طالبان افغانی بنام امارت اسلامی افغانستان مجبور به عقب نشینی از شهر کابل گردید پیوست به آن یک فهرست چند نفره بصورت آتی از طریق وسائل ارتباط جمعی وقت اعلام گردید :

۱ - ملا محمد ربانی بحیث رئیس شورای کابل

۲ - ملا محمد غوث بحیث وزیر امور خارجه که در عین حال به مثابه رهبر سیاسی اعلام گردید .

۳- ملا شیر محمد عباس استانکزی که یک افسر نظامی و نماینده نظامی اتحاد اسلامی در شهر کویته بود بحیث معاون وزیر خارجه

۴- ملا احسان الله " احسان " رئیس بانک مرکزی

۵- ملا امیر خان متقی وزیر اطلاعات و فرهنگ

۶- ملا فاضل احمد فاضل رئیس عمومی امنیت یا استخبارات

۷- حامد کرزی نماینده افغانستان در سازمان ملل متحد

۸- قاری دین محمد وزیر پلان

۹- ملا عبد الرقیب وزیر مهاجرین

می بینیم که مسأله به آن ساده گی که جناب زلمی خلیل زاد با ضرب زبانی های که روزنامه هشت صبح چاپ کابل در پاسخ به پرسش نقش وی در کنفرانس بن از وی نقل قول نموده است نبوده ، که به قول آقای خلیل زاد گویا طرح جاگزینی آقای عبدالستار سیرت بحیث رئیس اداره موقت از سوی « ..گروه های دیگر بخصوص گروه اتحاد شمال، که قوی ترین گروه درمیدان بود ، این پیشنهاد را نپذیرفتند .. »

بدون شک باتوجه به تجربه ای که از شیوه های زرنگانه و نفاق انگیز شبکه های استخباراتی پاکستان وجود دارد شاید برخی از چهره های معلوم الحالی به مثابه ستون پنجم در هیأت جبهه شمال که رهبری آنرا محمد یونس قانونی که با آقای عبدالستار سیرت نسبت خویشاوندی و خانواده گی نیز دارد بعهده داشت جابجا گردیده باشند و در برخی زمینه ها بصورت انفرادی در راستای استراتژی قومی و استخباراتی سازمان استخبارات پاکستان وارد عمل نیز شده باشند اما قضاوت و اظهارات مبنی بر مخالفت یکدست و تمامی اعضای هیأت جبهه شمال موجود در مذاکرات بن با انتخاب آقای سیرت بحیث رئیس اداره موقت شش ماهه افغانستان برخلاف حقائق و واقعیت های است که بصورت عموم بر کنفرانس بن مستولی بودند. سخت شگفت انگیز و مأیوس کننده است که با گذشت دست کم یازده سالی که از کنفرانس بن سپری میشود جناب آقای زلمی خلیل زاد در سمت یک شهروند دارای تابعیت دوگانه ء باز نشسته سیاسی اما فعال در امور اقتصادی نه می خواهد و یا هم نه میتواند پرده از روی دکترین و سیاست های استراتژیک کشورهای منطقه بالاخص پاکستان بردارد و یا هم به گمان غالب « در زیر کاسه نیم کاسه ای هست ! » زیرا آنچه که از ترکیب کنونی هیأت حاکم بر اداره مافیائی منجمله جلالتمآب کرزی که درنخستین فهرست اداره ای بنام « امارت اسلامی افغانستان » به حیث نماینده اداره طالبان در سازمان ملل متحد معرفی شده بود هرچند سمت نماینده گی رژیم طالبان به دلایل خاص سیاسی و استخباراتی تا به سقوط رژیم طالبان توسط شخص جلالتمآب حامد کرزی احراز نگردید اما نه میتوان به عنوان یک فاکتور مهم در حوادث آینده از آن چشم پوشی کرد که بدون تردید به مثابه یکی از انگیزه های مهم تمایل عمیقاً قلبی تیم حاکم برارگ به یک صلح کاذب و نا عادلانه با مخالفین مسلح و یا به قوی « برادران طالب » و دیگر مخالفین مسلح به مشاهده میرسد .

جالب ترین و مضحکترین بخش گفتگوی جناب آقای زلمی خلیل زاد با روزنامه ۸ صبح چاپ کابل آنجاست که حالت پس از عدم پذیرش نامزدی آقای سیرت بحیث رئیس اداره موقت افغانستان را به تصویر می کشد و میگویند :

پس از این که آقای سیرت از سوی گروه های دیگر رد شد، ملل متحد به شمول هیات امریکا، دوباره به گروه روم مراجعه کرد و تصمیم به این شد که گروه روم کسی دیگر را معرفی کند و یا اگر می گوید که آقای سیرت یگانه کاندیدایش است، به گروه های دیگر مراجعه می شود. بالاخره بعد از بحث چندروزه، گروه روم

آقای کرزی را به‌هیئت کاندیدایش معرفی کرد. به اساس همین تصمیم، یک تعداد می‌گویند که این فیصله حمایت از قومی خاص بود؛ چون من هم جزو تیم بین‌المللی بودم. رول شخص من در آنجا به نمایندگی از امریکا، کمک به موفقیت مجلس بود. به فکر من این غلط فهمی است که مشوره به اساس گرایش‌های قومی بوده. طبعاً مسایل قومی در بحث‌ها مطرح بوده، اما این بحث که باید یک شخص از قومی خاص به‌هیئت رییس اداره موقت انتخاب شود، نه نظر امریکا بود و نه از سازمان ملل متحد. این چیزی بود که همین چهارگروه به اساس فرمولی که در اول بالای آن به موافقه رسیده بودند، انجام شد.

اظهاراتی که فوقاً به آن اشاره شد نشان می‌دهد که اکنون نیز آقای خلیل زاد در دفاع از خود به چه استدلال‌های ضعیف، بی‌پایه و غلطی توصل جسته که حتی حاضر است برای درست جلوه دادن یک غلطی فاحش که همانا نتایج کنفرانس بن بوده باشد اشتباهات بزرگتری که مسخ تاریخ است مرتکب شود. این‌ها اند تناقضاتی که دامنگیر افغانستان و اظهارات یکی از معماران فاجعه یعنی آقای خلیل زاد که در عین حال از پایه‌های اصلی مافیای حاکم نامیده می‌شود در ارتباط به برگزاری نخستین کنفرانس بن شده اند

خلیل زاد و رویا هایش !

چنانچه دیدیم اشتباه آقای خلیل زاد تنها به معادلات و محاسبات غلط کنفرانس بن ختم نه می‌شود بلکه بیشترین آثار سو بحران در افغانستان از زمانی آغاز شد که جناب خلیل زاد به مثابه وایسرای شرکت بزرگ سهامی یونوکال UNOCAL که اکثریتی از سها مداران آن با حضور در حزب جمهوری خواه امریکا بر قصر سفید حکمرانی می‌کردند و آقای خلیل زاد را بحیث سفیر کبیر و نمائنده تام الاختیار نه تنها ایالات متحده امریکا بلکه بحیث نمائنده غیر مستقیم جامعه جهانی ی که در " ائتلاف جهانی بر ضد تروریسم " وارد افغانستان شده بودند منصوب کردند. زیرا در تیمی از دولت بوش که لابی قدرتمند نفتی تگزاس در انتصاب رهبران سابق شرکت‌های نفت و گاز از نفوذ خاصی برخوردار بودند و بدون تردید در انتصاب پست‌های کلیدی دفاعی و سیاست خارجی دست باز و بالای داشتند. قابل ذکر است که خانواده جرج بوش ولی نعمت آقای خلیل‌زاد از سال ۱۹۵۰ چندین کمپانی نفت و گاز را رهبری می‌کنند و ریچارد بروس دیک چینی Richard Bruce Cheney معاون جورج بوش که در پایان دهه نود ریاست " هالی بیرتون " Halliburton بزرگترین شرکت نفتی جهان را بر عهده داشت که این مؤسسه یکی از بزرگترین حامیان حزب جمهوری خواه امریکا تلقی می‌شد.

ادامه دارد

۱ : از نخستین بخش متن گفتگوی زلمی خلیل زاد با روزنامه هشت صبح چاپ کابل